

شور بی حیا به پسر همسایه رحم نگرد



در خانه شان ایستاده بود مرا صدا کرد ؛ زمانیکه به او نزدیک شدم تا ببینم بهزاد با من چکار دارد ، ناگهان دستم را گرفت و مرا با زور و تهدید به داخل خانه شان در طبقه دوم ساختمان برد . بهزاد در خانه شان را قفل کرد و با تهدید مرا مورد آزار و اذیت قرار داد . کارآگاهان اداره شانزدهم پلیس آگاهی تهران صبح امروز با مراجعه به محل سکونت بهزاد ، در حالیکه قصد داشت با مشاهده کارآگاهان از طریق پشت بام از محل متواری شود او را دستگیر و به اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران بزرگ منتقل کردند و ششای پرونده پس از مواجهه حضوری ، متهم را به صورت کامل مورد شناسایی قرار داد .

در بررسی سوابق متهم مشخص شد که وی از مجرمین سابقه دار در زمینه زور گیری است که در شهرپورماه سال ۱۳۹۰ نیز دستگیر و روانه زندان شده و برابر تحقیقات میدانی انجام شده از محل سکونتش در در زمینه خرید و فروش موادمخدر نیز فعالیت

شور جوان در اقدامی وحشیانه یکی از بچه محل هایشان را به خانه کشاند و او را مورد آزار و اذیت قرار داد . سرهنگ علی ولیپور گودرزی ، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران گفت: روز ۱۲ مرداد ماه امسال پسر نوجوانی همراه پدرش به دادسرای ناحیه ۲۷ تهران مراجعه و در طرح شکایتی عنوان داشت که توسط یکی از جوان های محل به نام «بهزاد» مورد آزار و اذیت قرار گرفته است . با طرح شکایت اولیه با موضوع «آزار و اذیت» و تأکید موضوع از سوی پزشکی قانونی ، پرونده جهت ادامه تحقیقات و دستگیری متهم از شعبه ۴ بازپرسی دادسرای ناحیه ۲۷ تهران در اختیار اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت . نوجوان ۱۳ ساله در اظهاراتش به کارآگاهان گفت : « ساعت ۲۰:۳۰ در حال رفتن از باشگاه به سمت خانه بودم که یکی از بچه محل ها به نام بهزاد که مقابل

پدر بی اعصاب با پرتاب نوزادش او را قطع نخاع کرد!



نقش بر زمین کرد . بعد از این حادثه دلخراش همسر م از خانه بیرون رفت و من هم با کمک پدرم کودک نحیفم را به بیمارستان رساندیم اما کار از کار گذشته بود و او برای همیشه به علت قطع نخاع شدن از راه رفتن روی پاهایش محروم شد . بعد از آن روز زندگی من جهنم شد و هر چند همسرم ابراز پشیمانی و ندامت کرد و خودش را به در و دیوار کوبید اما این کار دردی را دوا نکرد و تنها فرزندمان برای همیشه ولیچر نشین شد . بعد از آن یک چشم من خون و چشم دیگرم اشک شده بود و هر بار با دیدن پسر غم زده مان در گوشه خانه چگرم آتش می گرفت . سختی های زندگی با بزرگ شدن پسرمان بیشتر می شد چرا که حمل و نقل او برایم دشوار بود . از یک طرف باید کارهای بیرون از خانه را انجام می دادم و از طرفی هم نمی توانستم او را با خودم حمل کنم یا این که تنها در خانه رهایش کنم . همسرم هم بعد از مدتی دیواره راه گذشته را در پیش گرفت و مدام سراغ خوشگذرانی خودش می رفت . من هم مانده بودم که طلاقم را بگیرم یا این که بسوزم و بسازم که به ناچار به خاطر عدم حمایت

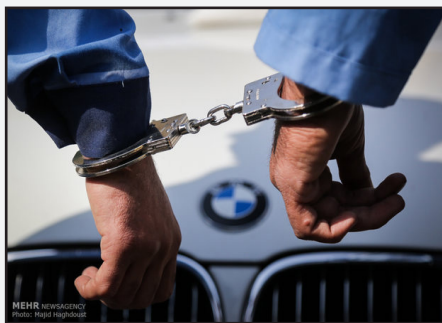
هر وقت یاد جگر گوشه ام که الان زیر خروارها خاک آرمیده می افتم قلبم برای لحظاتی از تپش می افتد . پسرم قربانی اعتیاد و نذاتم کاری پدرش شد و خیری از زندگی در این دنیای بی رحم و فانی ندید و برای راه رفتن با پاهای خودش حتی به مدت یک روز آرزو به دل ماند . زن خسته از کارهای نسنجیده همسرش که با غلتیدن قطره های اشک از گونه هایش همراه می شد تعریف می کند . از روزی که همسر م در پی رفیق بازی کورکورانه اش در دام اعتیاد افتاد من هم در تنور بی مسئولیتی او گرفتار شدم . بسا اعتیاد همسر م روز به روز او تندخوتر می شد و با هر کنش و نصیحتی واکنش شدیدی نشان می داد . زن جوان در ادامه روایت زندگی اش می گوید : ماجرای زندگی غم انگیزم از روزی شروع شد که تنها فرزند پسر م به دنیا آمد و این اتفاق با اعتیاد شدید همسر م گره خورد . همسر م که به خاطر اعتیادش اعصاب گریه نواز مان را نداشت روزی با اعتراض شدید به وضعیت زندگی مان ناگهان کنترل خود را از دست داد و با برداشتن نوزاد چند روزه او را به سمت من پرت و

پسر خاله عاشق پیشه در یک قدمی محاکمه متهمان

خودش رها کند تا شاید رابطه شان خوب شود تا این که شوهرش به قتل رسید . از سوی دیگر فرشته در بازجویی گفت : من و سیاوش با هم اختلاف داشتیم اما من هیچ وقت به پسرخاله ام هاشم نگفتم شوهرم را بکشد پسرخاله ام از من خیلی جوان تر بود با این حال عاشق من شده بود و به من می گفت شوهرت قدر تو را نمی داند . شوهرم بچه ها را هم کتک می زد و این موضوع من را خیلی ناراحت می کرد . یک روز قبل از جنایت بود که شوهرم من و بچه ها را کتک زد و از خانه بیرون انداخت من هم خیلی ناراحت شدم و موضوع را به پسرخاله ام گفتم و اوهم پیشنهاد کرد شوهرم را با سم بکشم ولی من قبول نکردم . اصلا جرأت این کار را نداشتم . با تکمیل تحقیقات اولیه سرانجام کیفرخواست علیه هاشم به اتهام قتل عمدی و آتش زدن جسد قربانی و فرشته به اتهام معاونت در قتل عمدی صادر شد که قرار است این دو متهم در شعبه ۷ دادگاه کیفری تهران محاکمه شوند .

پسرعاشق پیشه وقتی فهمید دخترخاله اش توسط شوهر بداخلاقی کتک می خورد او را کشت و جسد مقتول را به آتش کشید تا راز جنایتش پنهان بماند . این جنایت دو سال پیش اتفاق افتاد . کارآگاهان ابتدا به بازجویی از همسر این مرد جوان پرداختند و فرشته گفت : آن روز بعد از ظهر همسر م سیاوش با من گفت می خواهد سری به مادرش بزند و از خانه بیرون رفت . شب قرار بود من و شوهرم به مهمانی برویم ولی هنگام غروب هر چه به او زنگ زد دیدم گوشه اش خاموش است . اما مستاجر این مرد گم شده در تحقیقات جنایی گفت : من و سیاوش داشتیم در حیاط خانه کاری انجام می دادیم که مردی به خانه آمد و هر دو با ماشین سیاوش از خانه بیرون رفتند . یک روز بعد مأموران خودروی سوخته سیاوش را در حالیکه جسدش داخل آن بود پیدا کردند و ضمن تحقیق بر بردند که فرشته همسر مقتول با پسرخاله خود به نام هاشم از طریق پیامک با هم در ارتباط هستند . این جوان توسط پلیس دستگیر شد

سرقه بی.ام.و اجاره ای کار دست داماد داد



دیده نیز حاضر و از متهمان شکایت کردند و نیز اموال مکشوفه به مالک خودروی ۲۰۶ برگردانده شد . به گفته رئیس کلانتری ۱۴۴ جوادیه داماد خودرو را ساعتی قبل سرقه از کرایه دهنده جلوی خانه خوش تحویل گرفته بود و از آنجا که می خواست به گل فروشی ببرد تا گل روی آن بزند همان جلوی خانه اش پارک کرد و سویچ آن را در پزو ۲۰۶ گذاشته بود . بنا به اظهار سرهنگ حشمتیان متهمان در اولین دقایق سرقه از حضورشان در خودرو سلفی و فیلم تهیه و برای دوستان خود ارسال کردند که گفته اند رکورد سرقه را زده و بی ام و دزدیده اند . وی در خاتمه بیان داشت : تحقیقات تکمیلی از متهمان که دارای سرقه خودرو و مواد مخدر می باشند در حال انجام می باشد .

این مقام انتظامی گفت : خودروی بی ام و ۳۳۰۱ را دامادی برای عروسی اش اجاره کرده بود که سویچ آن را به لحاظ سهل انگاری در ۲۰۶ خود گذاشته بود که دقایقی پس از سرقه برای سوار شدن مراجعه می کند که متوجه به سرقه رفتن آن می شود که سریعاً با مالک آن تماس می گیرد و مالک پس از بررسی جی بی اس آن می گوید خودرو در همان محدوده است که خودش برای یافتن آن به محل می آید که در مسیر گشت کلانتری را می بیند و موضوع را در میان می گذارد مأمور نیز با خودروی گشت به دنبال وی برای کشف خودرو به گشت زنی پرداختند . وی ادامه داد : حین گشت زنی مأموران خودرو را در خیابان احسان مشاهده که دستور ایست صادر کردند ولی سارقان خودرو را به سمت مأموران گرفتند و شروع به فرار کردند . این مقام انتظامی اظهار کرد : با فرار آنان تعقیب و گریز پلیسی آغاز و مأموران با رعایت قانون بکارگیری سلاح شروع به تیراندازی کردند . سارقان علی رغم تیراندازی های پلیس به فرار خود ادامه دادند که حین گریز به ۸ دستگاه خودرو شهروندان خسارت وارد کردند که نهایتاً پس از شلیک ۱۰ تیر و پنجر شدن خودرو و وارد شدن سارقان در یکی از بن بست های محدوده دستگیر شدند . سرهنگ حشمتیان بیان کرد : پس از انتقال متهمان به کلانتری مالکان خودروهای خسارت

دو سارق لوازم خودرو که حین فرار با بی ام و سرقه به هشت دستگاه خودروی دیگر خسارت زده بودند با تلاش مأموران گشت کلانتری دستگیر شدند . سرهنگ منصور حشمتیان رئیس کلانتری ۱۴۴ جوادیه تهرانپارس در تشریح این خبر گفت : ظهر روز گذشته دو سارق لوازم خودرو در پرسه زنی های خود در محدوده تهرانپارس یک دستگاه خودروی پژو ۲۰۶ را مشاهده و برای سرقه لوازم در آن را باز می کنند که حین سرقه وسایل داخل آن یک سویچ خودروی بی ام و توجهشان را جلب می کند . وی در ادامه گفت : آنها که از دیدن این سویچ متعجب شده بودند دکه های آن را فشار می دهنند که متوجه می شوند چراغهای یک خودرو که جلوی ۲۰۶ پارک بود روشن گردید که مشخص شد سویچ مربوط به خودرو بی ام و است . سرهنگ حشمتیان افزود : سارقان وسوسه شدند تا به داخل خودرو بروند و زمانی که وارد خودرو می شوند تصمیم گرفتند آن را سرقه کنند ولی نحوه روشن کردن آن را نمی دانستند . وی افزود : سارقان ۲۵ ساله با جست و جو در مرورگرهای اینترنتی روش روشن کردن خودروی مذکور را پیدا می کنند که در ادامه سوار بر بی ام و برای خرید مواد مخدر مصرفی شان به محله ای در محدوده کلانتری ۱۴۴ جوادیه تهرانپارس می روند .

بلایی که داخل ماشین بر سر نوعروس تهرانی آمد



واقعاً قصد کشتن او را نداشتم اما وقتی به خودم آمدم که مریم دیگر نفس نمی کشید . خیلی ترسیده بودم به همین جنازه را در جاده شهریار انداختم و به خانه برگشتم . تا اینکه خانواده او ماجرای مفقود شدنش را به پلیس اعلام کردند و جنازه کشف شد . وی در حالی که اشک می ریخت گفت : من مستحق قصاص هستم و هیچ دفاعی ندارم . می دانم اشتباه بزرگی مرتکب شده ام و حالا می خواهم تا زودتر از این زندگی خلاص شوم . در پایان جلسه هیات قضایی وارد شور شد و دیروز پسر جوان را به قصاص محکوم کرد .

پسر جوان که قبل از شروع زندگی مشترک همسرش را کشته بود با حکم قضایی به قصاص محکوم شد . حسن ۲۳ساله نوزدهم مهرماه سال ۹۶ همسر ۱۸ ساله اش به نام مریم را که دانشجوی رشته رادپولوی دانشگاه تهران بود داخل ماشین خفه کرد و جنازه وی را در جاده سعید آباد شهریار انداخت . وی هفته گذشته در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران بای میز محاکمه ایستاد و گفت : چهار ماه بود که با مریم عقد کرده بودم . من عاشق مریم بودم و می خواستم بعد از خدت سربازی زندگی مشترکم را با او شروع کنم . آخرین بار نوزدهم مهرماه سال ۹۶ با ماشین مقابل دانشگاه دنبال او رفتم تا با هم برای تفریح به بیرون برویم . قرار بود صبح روز بعد به خدمت سربازی اعزام شوم اما مریم اصرار داشت زودتر جشن عروسی مان را برگزار کنیم و سر زندگیمان برویم . من به او گفتم قبل از پایان خدمت نمی توانم مقدمات جشن عروسی را برپا کنم اما قبول نکرد . سر همین موضوع با هم درگیر شدیم . من که کنترل اعصابم را از دست داده بودم در یک لحظه دستانم را جلوی دهان مریم گرفتم و او را خفه کردم . من

دوستی با زنان نامحرم زندگی پسر ۲۵ ساله را سیاه کرد

می رفتم و داخل کوچه های بن بست و خلوت سر صحبت را با زنان سالخورده ای که طلا به همراه داشتند ، باز می کردم و چنین وانمود می کردم که برای تحقیق درباره دختری برای ازدواج آمده ام . پیرزن ها هم که تحت تاثیر چرب زبانی من قرار می گرفتند سعی می کردند دختران همسایه خود را به ما معرفی کنند : در همین هنگام مهیار از پشت سر به آنان حمله می کرد و با دست دهانشان را می گرفت تا سر و صدا نکنند . من هم طلاهایشان را می بریدم . اگرچه اوایل دچار عذاب وجدان می شدم ولی بعد عادت کردم خودروهای مدل بالا سوار می شدم اما باز هم همه پول هایم را در قمار از دست می دادم . وقتی فهمیدم تحت تعقیب پلیس قرار دارم به منزل زنی در شهریار رفتم که ۱۰ میلیون تومان از پول های مسروقه را به او داده بودم ولی چند روز بعد مرا در منزل آن زن دستگیر کردند .

پدرم از مهاجران افغانستانی بود که با زنی ایرانی ازدواج کرد . وی کارگر بود و زندگی معمولی داشت من هم که از نوجوانی ترک تحصیل کرده بودم ، به شغل سنگ کاری ساختمان روی آوردم و زندگی آرامی را در کنار پدر و مادر و دوخواهرم سپری می کردم اما کم کم دوستی با خلافکاران و روابط با زنان و دختران نامحرم ، مسیر زندگی ام را تغییر داد . من برای به دست آوردن پول بیشتر به بائو قمار های قمار کشیده شدم . در همین سال ها بود که خواهرم با پسر همسایه ازدواج کرد و روابط من با برادرش شوهر خواهرم نزدیک تر شد . در این میان برادرش شوهر خواهرم پیشنهاد کرد در سرقه طلا از سالخوردگان یا او همکاری کنم . من هم به خاطر ولخرجی های زیاد و بدهکاری که بر اثر قماربازی داشتم ، این پیشنهاد را قبول کردم ، چرا که «مهیار» چند بار در شمال کشور از این سرقه ها انجام داده بود . از آن روز به بعد به مرکز شهر

جسد پتوییچ مهرداد در جوی آب بلوار شهید محلاتی پیدا شد

در روز هجدهم تیرماه امسال کشف جسد جوانی حدوداً ۳۰ ساله در جوی آب بلوار شهید محلاتی - خیابان کوثر به کلانتری ۱۳۲ نبرد اعلام شد که با حضور مأموران و انجام بررسی های مقدماتی مشخص شد که متوفی بر اثر اصابت ضربات متعدد جسم نیز به ناحیه شکم ، پهلو و گردن و کتله رسیده است که بلافاصله موضوع به اداره دهم ویژه قتل پلیس آگاهی اعلام شد و پرونده مقدماتی با موضوع قتل عمد تشکیل و ضمن هماهنگی با شعبه پنجم بازپرسی دادسرای ناحیه ۲۷ تهران ، پرونده برای ادامه تحقیقات در اختیار مأموران اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت . تحقیقات ادامه داشت تا اینکه دو روز بعد ، خانمی با مراجعه به کلانتری ۱۳۲ نبرد به مأموران اعلام کرد که برادرش به نام مهرداد ۲۸ ساله در تاریخ ۱۸ تیرماه از محل سکونتش در منطقه پیروزی خارج شده و تاکنون به خانه بازنگشته است . با توجه به مشخصات ارائه شده به مأموران ، خواهر مهرداد به اداره دهم پلیس آگاهی هدایت و نهایتاً هویت جسد ناشناس توسط خواهر مهرداد مورد شناسایی قرار گرفت . در ادامه رسیدگی به پرونده ، کارآگاهان اداره دهم با انجام تحقیقات میدانی از محدوده محل زندگی مقتول اطلاع پیدا کردند که مقتول آخرین بار در تاریخ ۱۷ تیرماه به همراه یکی از دوستانش به نام مصطفی و سوار بر خودرو وانت متعلق به مصطفی مشاهده شده است . مصطفی به عنوان یکی از دوستان نزدیک مهرداد در منطقه پیروزی - خیابان مخبر شمالی شناسایی شد و کارآگاهان برای انجام تحقیقات به محل سکونت وی مراجعه کردند اما مشخص شد که همزمان با کشف جسد مهرداد ، مصطفی نیز اقدام به فروش ناگهانی خودروی وانت خود کرده و پس از آن نیز از محل سکونتش متواری است . با توجه به شواهد و دلائل به دست آمده مبنی بر ارتکاب جنایت توسط مصطفی ، خانواده مصطفی به منظور همکاری با پلیس تحت آموزش و مشاوره قرار گرفته و سرانجام چند روز بعد در تاریخ ۱۳ مردادماه قاتل به همراه پدرش به اداره دهم پلیس آگاهی مراجعه و خودش را به عنوان قاتل مهرداد تسلیم کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ کرد . مصطفی در خصوص نحوه ارتکاب جنایت و قتل مهرداد به کارآگاهان گفت : در تاریخ ۱۷ تیرماه به همراه مهرداد برای دعوا با یکی از اوباش محل ، به سر قرار می مهرداد با وی گذاشته بود رفتم اما وحید در محل قرار حاضر نشد . از آنجا بود که برای مصرف مشروبات الکلی به خانه ما رفتم و در پشت بام هر دو نفر شروع به شرب خمر کردیم طوری که هر دو نفرمان تعادل روحی و رفتاری مناسبی نداشتیم . در آن شرایط ، من و مهرداد با یکدیگر متناجره لفظی پیدا کردیم که ناگهان قمه مهرداد را که آنرا برای دعوا کردن با وحید آورده بود ، برداشته و چندین ضربه به سمت مهرداد پرتاب کردم . مدتی در همان وضعیت در پشت بام گذشت تا اینکه متوجه شدم مهرداد توسط من به قتل رسیده است ، ترسیده بودم و جسد مهرداد را داخل پتو پیچیده و با خودرو وانت به محل کشف جسد منتقل و داخل یک جوی آب رها کردم . از آن زمان تصمیم به فرار گرفتم اما نهایتاً با راهنمایی خانواده تصمیم گرفتم تا خودم را تسلیم پلیس کنم .

سرهنگ کارآگاه علی ولیپور گودرزی ، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ ، با اعلام این خبر گفت : با توجه به اعتراف صریح متهم ، قرار بازداشت موقت از سوی بازپرس شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۲۷ تهران صادر و متهم برای تحقیقات تکمیلی در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت .

فداکاری یک جانباز جهرمی با مرگ گره خورد

به گفته مسئولان محلی و مردم جهرم ، محمد زارعیان جانباز دفاع مقدس که برای نجات فرد دیگری خود را به آب انداخت ، خودش غرق شد و جان باخت . فرمانده نیروی انتظامی شهرستان جهرم گفت : عصر پنجشنبه ۱۱ مرداد ۹۷ ، فردی از اهالی جهرم بر اثر ناآشنایی به فنون شنا در آبگیر سد سلمان فارسی غرق و فوت شد . وی با اشاره به اینکه جسد وی به علت فرارسیدن شب و تاریکی هوا ، صبح جمعه ۱۲ مرداد یافته شد ، افزود : هویت این فرد با نام محمد زارعیان مشخص شده است که از جانبازان دفاع مقدس و برق کار ساختمان با سابقه جهرم بود . ستاد بحران شهرستان جهرم اعلام کرد : برای یافتن بیکر این جانباز دفاع مقدس ، ستاد بحران شهرستان جهرم ، شرکت آب منطقه ای استان فارس و جمعیت هلال احمر شهرستان جهرم و هیات نجات غریق و غواصی شهرستان جهرم همکاری داشتند . مرحوم محمد زارعیان با ۵۵ درصد جانبازی عمری را در زمینه برپایی مراسم اهل بیت به سر برده بود و همه چراغانی های جشن امام زمان را در جهرم انجام می داد . مراسم تشییع این جانباز ساعت ۱۰ صبح شنبه ۱۳ مرداد ماه از حسینیه کوی علی پهلوان به سمت قبرستان رضوان جهرم برگزار شد . محمد رحمانیان مدیر روابط عمومی اورژانس جهرم گفت : ۱۳ مرداد ۹۷ ساعت ۱۷:۴۰ عصر ، بالگرد ۱۱۵ جهرم به هزاره دو غواص برای نجات جان دختر ۱۲ ساله سیمکاتی به سمت سد سلمان به پرواز درآمد . وی افزود : بعد از تلاش یک ساعته غواص ها دختر ۱۲ ساله را یافتند و بلافاصله احیا توسط پرسنل ۱۱۵ شروع شد . رحمانیان بیان کرد : با توجه به مدت زمان طولانی زیر آب بودن وی ، تلاش دو ساعته پرسنل اورژانس بی نتیجه ماند و منجر به فوت وی شد .

دیده نیز حاضر و از متهمان شکایت کردند و نیز اموال مکشوفه به مالک خودروی ۲۰۶ برگردانده شد . به گفته رئیس کلانتری ۱۴۴ جوادیه داماد خودرو را ساعتی قبل سرقه از کرایه دهنده جلوی خانه خوش تحویل گرفته بود و از آنجا که می خواست به گل فروشی ببرد تا گل روی آن بزند همان جلوی خانه اش پارک کرد و سویچ آن را در پزو ۲۰۶ گذاشته بود . بنا به اظهار سرهنگ حشمتیان متهمان در اولین دقایق سرقه از حضورشان در خودرو سلفی و فیلم تهیه و برای دوستان خود ارسال کردند که گفته اند رکورد سرقه را زده و بی ام و دزدیده اند . وی در خاتمه بیان داشت : تحقیقات تکمیلی از متهمان که دارای سرقه خودرو و مواد مخدر می باشند در حال انجام می باشد .